

پخش سریال شبکه نمایش خانگی به اعمال اصلاحات مشروط‌شد

می‌خواهم زنده بمانم...

سرنوشت برخی از شخصیت‌های منفی سریال عنوان کرد. آن‌طور که از شواهد و قرائن برمی‌آمد گویا تصویری که از کیمته و عملکرد آن در این سریال روایت شده به مذاق ناجا خوش نیامده است.

توقف پخش سریال با دستور ساترا، بلافاصله با واکنش اهالی سینما همراه بود. سید محمود رضوی تهیه‌کننده سینما متنی انتقادی در توئیتر منتشر کرد و در عین حال با گلایه از محتوای آثار منتشر شده در پلتفرم‌ها، ساترا را به تساهل و تسامح متهم کرد. مجید توکلی کارگردان سینما هم در این باره نوشت:

«می‌خواهم زنده بمانم» در ابتدا با انتشار تصویر و متنی ثابت در پست اینستاگرامی بازیگران و سازندگان سرپا تأیید شد: «با توجه به مسائل پیش آمده سریال «می‌خواهم زنده بمانم» امروز پخش نخواهد شد. زمان پخش متعاقباً اعلام خواهد شد»

دوشنبه ۱۰ خردادماه به جای پخش قسمت پانزدهم سریال در فیلم‌مو، روابط عمومی این سریال در اطلاعیه‌ای به شکل رسمی از توقف پخش سریال خبر داد و علت آن را نقطه نظرات معاونت اجتماعی ناجا در خصوص

«اصلاً قرار بود مجوز را ساترا بدهد که دیگر این ماجراها نباشد. ما به هر چی تن می‌دهیم، یک مرحله بدتر می‌شود.» مصطفی کیایی کارگردان سریال «همگناه» دیگر فیلمسازي بود که با انتشار یادداشتی در اینستاگرام باز هم از واسپاری نظارت بر شبکه نمایش خانگی به صداوسیما و ساترا گلایه کرد. در بخشی از یادداشت این فیلمساز آمده: «می‌شد منتظر ماند تا تکلیف کاراکترها در بستر دراماتیک مشخص شوند، دوستان ما در نیروی انتظامی خوب می‌دانند این مسیر را، زیرا سالیان زیادی در حال مشارکت و کمک به صنعت سینما هستند گویا

ساترا راه مراقبت و چانه‌زنی برای آثار را نمی‌داند و تنها راه را توقف پخش می‌داند» ساعتی بعد اما ساترا این بار به‌جای متهم در نقش نجات دهنده اطلاعیه‌ای منتشر و اعلام کرد که مشکل پخش «می‌خواهم زنده بمانم» حل خواهد شد. در این اطلاعیه دلیل توقف پخش، ناهماهنگی‌ها اعلام و البته پخش این سریال به اعمال اصلاحات مشروط شده است. ساترا با قبول اتهام خدشه به چهره نیروی انتظامی و کميته انقلاب اسلامی به عنوان شاکله ناجا در شخصیت‌پردازی برخی کاراکترها مدعی است که این



اصلاحات بدون تحمیل هزینه‌های سنگین، در مرحله فیلمنامه قابل بررسی و مرتفع شدن بوده اما چون سریال پس از تولید و با هدف دریافت مجوز به ساترا ارائه شده به‌همین دلیل اصلاحات در فیلمنامه غیرممکن بوده است. در این متن اظهار امیدواری شده که اصلاح حادقلی ایرادات به رفع مشکل منجر شود.

سه فیلم در سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر به سانس فوق العاده رسید

زنده شدن خاطرات فراموش شده

■ سانس ویژه برای سه فیلم

یکی از آورده‌های برگزاری جشنواره‌های سینمایی در سال گذشته زنده شدن خاطره صف انتظار و دیدن جمعی فیلم است. در این دوره از جشنواره سانس رونمایی از فیلم‌های ایرانی یادآور روزهای پربرونق سال‌های سینما و استقبال مخاطبان است. «صحنه‌زنی» به کارگردانی علیرضا صمدی یکی از فیلم‌هایی است که در پنجمین روز جشنواره به سانس فوق‌العاده رسید. درادامه سازندگان «دشت خاموش» احمد بهرامی و «بوتاکس» کاوه خرمشاهی هم بازخورد خوبی از مخاطبان گرفتند و این دو فیلم که در بخش جشنواره جشنواره‌ها حضوردارند هم به سانس فوق‌العاده رسیدند. این بخش به نمایش فیلم‌های تحسین شده در جشنواره‌های معتبر جهانی اختصاص دارد. «دشت خاموش» احمد بهرامی که تندیس شیر بهترین فیلم بخش افق‌ها از جشنواره ونیز را از آن خود کرد به شرایط دشوار کاری و روابط انسانی پیچیده چند خانواده می‌پردازد که در یک محیط کارگری زندگی می‌کنند. نمایش «بوتاکس» اولین فیلم بلند کاوه‌مظاهری که دو جایزه اصلی بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه را از سی‌وهشتمین دوره جشنواره نورین کسب کرده با تحسین منتقدان و استقبال مخاطبان همراه بوده است.

■ **سینمای ایران سفیر نجیبی از ایران است**
اظهارات اهالی سینما در نشست‌های خبری یا آیین معرفی فیلم‌ها هم به‌خاطر نقل

سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر در حالی به روزهای پایانی نزدیک می‌شود که پردیس سینمایی چارسو در دو روز گذشته محل آمد و شد چهره‌های مطرح سینمایی بوده و نمایش فیلم‌های ایرانی با استقبال مخاطبان روبه‌روست.

■ میهمان ویژه سینمایی و سیاسی

علاوه بر حضور عوامل فیلم‌های «گیسوم» نوید بهتونی، «صحنه‌زنی» علیرضا صمدی و «میجر» احسان عبدی‌پور به خاطر برگزاری نشست خبری این دو فیلم، محمود کلاری و مجید مجیدی برای برگزاری کارگاه آموزشی و نمایش فیلم «بدوک»، حسین انتظامی (رئیس سازمان سینمایی) و بهمن فرمان‌آرا برای بازدید به جشنواره آمدند. رخشان بنی‌اعتماد، رضا میرکریمی، آزاده صمدی، غلامرضا موسوی، سهیلا گلستانی، پرویز پرستویی، حمید فرناز، کیانوش عیاری، فرشته صدرعرفایی و... از جمله چهره‌هایی هستند که در روزهای گذشته برای تماشای فیلم‌ها و بازدید از جشنواره به چارسو آمدند. فارغ از حضور چهره‌های سینمایی از اخبار حاشیه‌ای جشنواره جهانی فیلم فجر در سال‌های گذشته همواره حضور چهره‌های سیاسی در این رویداد بوده است. در موعد انتخابات گذر چهره‌های سینمایی کمتر به چارسو افتاده اما روز یکشنبه علاوه بر اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس که در جشنواره حاضر شدند و به تماشای فیلم سینمایی «گیسوم» نشستند، نمایش نسخه مرمت شده «بدوک» پیروز حناچی شهردار تهران به همراه احمد مسجد جامعی هم حضور داشتند.

موزه‌ای بتنی در آب‌های مدیترانه



مجسمه دختر بچه ده ساله محلی جیسن دی کایر، کن فرانسه



مجسمه پیرمرد میاد محلی جیسن دی کایر، کن فرانسه

فرشته فرماتی پژوهشگر و نقاش

به‌تازگی موزه‌ای زیر آب در دریای مدیترانه در شهر کن فرانسه توسط جیسن دی کایر هنرمند بریتانیایی ایجاد و افتتاح شده است. این هنرمند شش مجسمه بزرگ از چهره‌های انسانی را به نمایش گذارده است. «موزه آب کن» موزه‌ای با چیدمانی دائمی از آثار هنری است. این آثار در آب‌های مدیترانه در نزدیکی جزیره سن مگوریت قرار دارد. هدف ساخت این مجسمه‌های سیمانی عظیم ارتباط بیشتر مردم با زندگی دریایی و طبیعت زیر دریاست.

غواصان و شناگران به‌راحتی می‌توانند از این آثار دیدن کنند چرا که مجسمه‌ها تنها در دو سه متری از سطح آب قرار گرفته‌اند. هدف دیگر این نمایشگاه جلب توجه مخاطبان به حمایت و حفاظت محیط زیست و توجه به ارزش و اهمیت آن در موقعیتی است که اقیانوس‌ها در تهدید جدی تخریب محیط زیستی توسط فعالیت‌های انسانی هستند. دی کایر معتقد است هدف اصلی این چیدمان توجه به این موضوع است که اقیانوس‌ها در خطر جدی هستند و به کمک ما نیاز دارند. اکوسیستم دریایی در طی دهه‌های پیشین تا به حال در حال تخریب و فرسایش بوده و آینده‌ای نامعلوم دارد.

هر کدام از این چهره‌های سیمانی بزرگ براساس چهره یکی از افراد محلی ساخته شده است؛ مثلاً چهره یک پیرمرد صیاد هشتاد ساله و یک دختر بچه ۹ ساله. هر یک از مجسمه‌ها طولی حدود دو متر و وزنی بیش از ۱۰ تن دارند. مواد به‌کار رفته در ساخت این مجسمه‌ها، بتن و مصالح با PH بسیار پایین است و بافتی مناسب طبیعت دارد به‌طوری که موجودات دریایی خصوصاً مرجان‌ها را به خود جذب می‌کند و باعث رشد و نمو آنها می‌شود. هدف از این خود چیدمانی همواره در حال تغییر و مناسب اکوسیستم دریاست. دو مجسمه از این مجموعه، هر یک تصویری از دو چهره را نشان می‌دهد که یکی بزرگ‌تر و دیگری کوچک‌تر است. به گفته هنرمند، این دو نیم چهره نمایانگر چهره حقیقی اقیانوس است که ماسکی بر چهره دارد؛ در ظاهر قوی و نیرومند به نظر می‌رسد اما در اصل شکننده، حساس و نیازمند مراقبت است.

این نخستین نمایشگاه این هنرمند در دریای مدیترانه است و روند ساخت آن چهار سال به طول انجامیده است. پیش از این آثار منحصر به فرد دیگری از او در دریای کشورهای اسپانیا، استرالیا، مکزیک، یاهاماس، مالدیو و نقاط دیگر دنیا نصب شده است. در نمایشگاهی از آثار این هنرمند بریتانیایی در مکزیک اثری به نام «شام آخر» مشاهده

به بهانه آغاز به کار بنیاد حامیان اسناد و کتابخانه ملی ایران

میراث شما، هویت ماست



دکتر مظفر پاسدار شیرازی معاونت توسعه مدیریت و منابع کتابخانه ملی ایران

کمک‌های مردمی می‌شود و از خود هیأت مؤسسه و سایرین با مشارکت آنها مبالغی پول جمع‌آوری می‌کند. «چون هیأت مؤسسه چنین تصور می‌کردند که هرگاه کتابخانه دارای محل معین و معمولی باشد خیلی بهتر خواهد بود و می‌توانند متدرجه وسایل تعالی آن را به خوبی فراهم آورند، در مقام تهیه تنخواهی به جهت خریدن خانه برآمده از آقاییانی که می‌توانستند در این مقصد شرکت نمایند استمداد جستند و می‌بینیم که همه کسانی که در این امر خیر پیشقدم شده‌اند از رجال سرشناس و معروفند، تقریباً بیشتر آنان از تحصیلکرگان زمانند، مانند میرزا حسن خان مشیرالدوله نائینی، برادرش مؤتمن الملک پیرنیا، وثوق الدوله، سید نصرالله تقوی و امثالهم. و برای این که ذکر آن از آنان شده باشد، اسامی ایشان و صورت کمک هر یک ذکر می‌شود:

محمود میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم به توسط آقای خبر السلطنه هدایت: ۲۰۰ تومان

جدای از جمع‌آوری کمک‌های مالی، برخی نیز کتاب اهدا کردند و عده‌ای به اهدای تجهیزات چون قالیچه، میز تحریر، ساعت و خانه مبادرت ورزیدند. دیدن لیست این افراد که جمله از بزرگان آن زمان و دهه‌های آتی بودند جالب توجه است، افرادی چون نصره السلطان، سیدمحمدرضا مساوات (مدیر روزنامه مساوات)، حاج شیخ فضل‌الله نوری، حاج میرزا حسن رشدیه، شاهزاده عین الدوله (نخست‌وزیر)، قوام

السلطنه (نخست‌وزیر)، میرزا حسن خان مشیرالدوله (حسن پیرنیا، نخست‌وزیر، مؤتمن الملک (حسین پیرنیا، رئیس مجلس شورای ملی دوم و چهارم)، مخبرالسلطنه (مهدی قلی هدایت، نخست‌وزیر پهلوی)، مخبرالدوله (وزیر پست و وزیر علوم)، خزعل خان سردار ارفع، حاج معین التجار (نماینده دور اول مجلس)، وثوق الدوله (صدراعظم)، علاءالملک (وزیر علوم)، ارباب جمشید، میرزا آقا اسقهنی (نماینده مجلس اول)، ملک المتکلمین، میرزا جوادخان سعدالدوله (نخست‌وزیر)، شاهزاده جلال‌الدین میرزا، احتشام السلطنه (محمود علایم، رئیس خصوصی را به مشارکت کمک خبرانه و کمک‌های مسئولیت اجتماعی دعوت کند و گفت‌مان این مهم را ترویج نماید. تندیس یادمان اهداگران، اجرایی مدرن از کتیبه اهداگران است که بیشتر اشاره شد، اثری فاخر که به دستان هنرمند استاد پرویز تناولی ساخته و اهدا شده است، تا بستری برای ثبت‌نام حامیان و بازیگران سازمان در سال‌های گذشته و آینده باشد و ظرفیتی برای تشویق و ترغیب دغدغه‌مندان میراث مستند برای همکاری با سازمان اسناد و کتابخانه ملی باشد. گنج‌مان، تلاشی برای مشارکت خرد مردمی برای تأمین مالی جمعی جهت خرید میراث مستند کشور (سنسور خطی و اسناد تاریخی)، بستری و مستند برای جلب حمایت‌های دغدغه‌مندان فرهنگ این مرز و بوم برای حفظ پשתوانه تاریخ و هویت مردمان این سرزمین و جلوگیری از خروج میراث مستند از کشور است. حافظ، ارزش دادن به بار معنوی میراث مستند کشورمان است، پذیرش اینکه این میراث جدای از ارزش معنوی، ارزش ریالی دارد و شبکه بانکی برای نخستین بار میراث مستند را به‌عنوان وثیقه و ضمانت تسهیلات پذیرد و مالکان و صاحبان این میراث مستند، جهت استفاده از این ظرفیت، تشویق به اهدای نسخه دیجیتال این میراث به سازمان و در نهایت به ملت ایران کنند. شناسنامه دیجیتال میراث مستند، گویی جامعه به یکباره با قدرت گرفتن دولت احساس کرده که دیگر نیازی به مشارکت آن نیست یا از سوی دیگر دولت احساس کرده برای انجام وظایفش دیگر نیازی به کمک مردم ندارد و این مشارکت یک طرفه یا دوطرفه فسخ شده است.

به‌عنوان مثال یکی از یسترهای مهم جلب مشارکت‌های مردمی در نهادهای اینچنین کتیبه حامیان یا اهداگران است که جدای از متداول بودن آن در دنیا در کشور ما نیز اقضا در کتابخانه‌های بزرگ بیشتر دیده می‌شود، مرور ذهنی بر دو دیوار کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و حتی نهاد به نسبت تازه تأسیس دایرة المعارف بزرگ اسلامی، کتیبه اهداگران را به یاد خواهد آورد، دیواری که نام چهره‌های اهدا کننده کتاب را بر خود حک کرده تا از یکسو سیاسی از اهدا کنندۀ باشد و از سوی دیگر بستری برای جلب نظر سایر مخاطبین برای توسعه کمک مردمی باشد. بر همگان روشن است که در کشورهای توسعه یافته با وجود آنکه اداره کشور توسط دولت متکی به نفت نیست و بسیار بیشتر از کشور ما اتکا به مالیات خود مردم دارد، مسئله donation و کمک مالی خیرانه به نهادهای علمی، فرهنگی و اجتماعی چون کتابخانه‌ها بویژه کتابخانه ملی کشورشان، دانشگاه‌ها... بسیار رایج و نهادینه است. در کشور ما نیز که سنت وقف به‌عنوان یک مکانیسم جلب کمک مردمی برای حمایت اجتماعی از یک فعالیت عامه المنفعه بسیار رایج بوده است و در چند دهه اخیر نسبت مستند مدرسه‌سازی خیرانه با کمک‌های مالی به دانشگاه‌های دولتی کشور در کنار وظیفه دولت برای ساخت و تجهیز مدارس، تجهیز و تأمین دانشگاه‌ها، با مشارکت‌های خیرانه مردمی از خرد تا کلان، اتفاقات خوبی را در کشور بویژه در مناطق محروم رقم زده است.

در یکی دو سال گذشته تلاش‌های وافری برای طراحی برنامه‌های راهبردی برای توسعه این نقیصه تاریخی انجام شده است که در هفته‌های اخیر به بهره‌برداری رسیده‌اند. از آغاز به کار بنیاد حامیان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تا رونمایی از تندیس یادمان اهداگران سازمان و آغاز به کار طرح گنج‌مان، شناسنامه دیجیتال میراث مستند و حافظ، بنیاد حامیان اسناد و کتابخانه ملی ایران به‌عنوان یک سازمان مردم نهاد با الگوبرداری از بنیادهای حامیان دانشگاه‌های معتبر کشور تلاش دارد با همت اعضای هیأت امانا و هیأت مدیره خود مردم، خیرین و شرکتهای خصوصی را به مشارکت کمک خبرانه و کمک‌های مسئولیت اجتماعی دعوت کند و گفت‌مان این مهم را ترویج نماید. تندیس یادمان اهداگران، اجرایی مدرن از کتیبه اهداگران است که بیشتر اشاره شد، اثری فاخر که به دستان هنرمند استاد پرویز تناولی ساخته و اهدا شده است، تا بستری برای ثبت‌نام حامیان و بازیگران سازمان در سال‌های گذشته و آینده باشد و ظرفیتی برای تشویق و ترغیب دغدغه‌مندان میراث مستند برای همکاری با سازمان اسناد و کتابخانه ملی باشد. گنج‌مان، تلاشی برای مشارکت خرد مردمی برای تأمین مالی جمعی جهت خرید میراث مستند کشور (سنسور خطی و اسناد تاریخی)، بستری و مستند برای جلب حمایت‌های دغدغه‌مندان فرهنگ این مرز و بوم برای حفظ پשתوانه تاریخ و هویت مردمان این سرزمین و جلوگیری از خروج میراث مستند از کشور است. حافظ، ارزش دادن به بار معنوی میراث مستند کشورمان است، پذیرش اینکه این میراث جدای از ارزش معنوی، ارزش ریالی دارد و شبکه بانکی برای نخستین بار میراث مستند را به‌عنوان وثیقه و ضمانت تسهیلات پذیرد و مالکان و صاحبان این میراث مستند، جهت استفاده از این ظرفیت، تشویق به اهدای نسخه دیجیتال این میراث به سازمان و در نهایت به ملت ایران کنند. شناسنامه دیجیتال میراث مستند، گویی جامعه به یکباره با قدرت گرفتن دولت احساس کرده که دیگر نیازی به مشارکت آن نیست یا از سوی دیگر دولت احساس کرده برای انجام وظایفش دیگر نیازی به کمک مردم ندارد و این مشارکت یک طرفه یا دوطرفه فسخ شده است.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دریپامی به آیین انتخاب پوشه به عنوان نخستین پایتخت قرآنی ایران:

قرآن استوارترین مسیر هدایت بشر به قله سعادت است

به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، «قرآن کریم کلام وحی الهی و یادگار جاودان پیامبر اکرم (ص)، جامع لطائف و اسرار و معارف پروردگار است؛ مشعلی فروزان که همچون خورشید پر فروغ، صحنه‌های زندگی آدمی را به نور هدایت روشن می‌کند»

در بخشیی از پیام سیدعباس صالحی که روز گذشته در آیین انتخاب پوشه به‌عنوان نخستین پایتخت قرآنی ایران قرانت شداً آمده: «قرآن کریم مجموعه‌ای سرشار از اعجاز کلامی و معرفتی که دل‌ها را تسخیر و با معانی و مفاهیم و آموزه‌های بلند آن عقل‌ها را مدھوش خویش کرده است، کتابی که بر آن نه اعوجاج و دگرگونی راه دارد؛ نه باطلی و ناراستی و از این رو استوارترین مسیر هدایت بشر به قله سعادت است. آدمی هر چه در مسیر کمال و تعالی مقرب‌تر، بهره‌اش از این عروه‌الوثقایی بی‌مانند بیشتر و هر که آینه دلش پاکیزه‌تر، روشنائی آفتاب هدایت قرآن در او نمایان‌تر خواهد بود.

وصف این صحیفه نورانی با هیچ قلمی و اندیشه‌ای میسر نیست و درک بلندی مفاهیم و آموزه‌های آن فراتر از محدوده اندیشه بشر است.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور شد: به لطف الهی و به یمن تلاش‌های نظام جمهوری اسلامی، عطر قرآن کریم بوستان ایران زمین را عطرآگین کرده و در فضای عمومی کشور بیش از پیش به انس و بهره‌مندی از مفاهیم گران‌سنگ قرآنی توجه شده است.

صالحی گفت: از این رو، در آغازین سال‌های گام دوم انقلاب اسلامی و با عنایت به ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و پیشینه شایسته قرآنی در شهرستان بوشهر، این پایتخت قرآنی ایران» برای مدت یکسال معرفی می‌شود و این لوح افتخار به اهالی فرهیخته، نجیب و مؤمن آن دیار تقدیم می‌شود.